



دانشگاه فردوسی مشهد
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دکتر شریعتی

گروه آموزشی علوم پایان نامه تحصیلی کارشناسی ارشد
اجتماعی، گرایش پژوهش علوم اجتماعی

جامعه‌شناسی پدیداری زیارت

(پدیدارشناسی تجربی زیارت امام رضا «ع»)

استاد راهنما:

دکتر علی یوسفی

اساتید مشاور:

دکتر غلامرضا صدیق اورعی

دکتر علی رضا کهنسال

نگارش:

فهیمه مکری زاده

شهریور ۱۳۸۹



بسمه تعالی .

مشخصات رساله/پایان نامه تحصیلی دانشجویان .

دانشگاه فردوسی مشهد

عنوان رساله/پایان نامه: جامعه‌شناسی پدیداری زیارت (پدیدارشناسی تجربی زیارت امام رضا «ع»)

نام نویسنده: فهیمه مکرری زاده

نام استاد(ان) راهنما: دکتر علی یوسفی

نام استاد(ان) مشاور: دکتر علی رضا کهنسال، دکتر غلامرضا صدیق اورعی

رشته تحصیلی: پژوهش علوم اجتماعی	گروه: علوم اجتماعی	دانشکده: ادبیات و علوم انسانی دکتر شریعتی
---------------------------------	--------------------	--

تاریخ تصویب:	تاریخ دفاع:
--------------	-------------

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد ● دکتری ○	تعداد صفحات: ۱۵۱
--------------------------------------	------------------

چکیده رساله/پایان نامه :

موضوع رساله حاضر، جامعه‌شناسی پدیداری زیارت است که در آن زیارت در قالب واقعیتی دینی و دارای دو بعد عینی و ذهنی در نظر گرفته شده است. در بعد عینی زیارت، مفاهیمی چون نهادمندی و توجیه‌مندی آن طرح شده و در بعد ذهنی، به درونی‌سازی و تجربه زائران از زیارت پرداخته شده است. نکته و مفهوم کلیدی که در پدیدارشناسی طرح شده، مفهوم بین‌الذهان است که توسط شوتس، در جامعه‌شناسی پدیداری با تعبیر معنای عینی دنبال شده است. بر این اساس و از طریق مراحل روش پدیدارشناسی تجربی، سعی شد تا معنای عینی یا همان ویژگی‌های تعمیمی زیارت حاصل شود. بر این اساس برای زیارت، چهار مقوله اصلی شامل مقوله عاطفی (تجربی)، خواستن، آداب‌مندی و توجیه‌مندی زیارت نزد زائر، شناسایی شد. ذیل مقوله عاطفی، احساس معنویت، آرامش، خضوع، توسل، ارتباط عاطفی با امام، مورد توجه امام بودن، و اعتماد داشتن به او، واحدهای معنایی مشترک را شکل داد. همچنین همه زائران در داشتن خواسته و رعایت حداقلی از آداب، مشترک بودند. ضمن این‌که در نگاه همه آنان، امام، ویژگی‌هایی داشت که او را شایسته زیارت می‌کرد، مانند علم، قدرت و... . بیشترین تفاوت بین زائران نیز در رعایت آداب و نحوه انجام زیارت بود.

امضای استاد راهنما:	کلید واژه: جامعه‌شناسی پدیداری پدیدارشناسی پدیدارشناسی تجربی زیارت تجربه دینی
تاریخ:	

فهرست

۷	بیان مساله
۸	اهداف تحقیق
۹	فصل اول
۹	مبانی نظری
۱۰	۱.۱. پیشینه نظری
۱۰	۱.۱.۱. پیشینه نظری پدیدارشناسی
۱۰	درباره اصطلاح پدیدارشناسی
۱۱	تعریف پدیدارشناسی (با تاکید بر نظر هوسرل)
۱۲	پدیدارشناسی فلسفی
۱۳	پدیدارشناسی دین
۱۳	برخی پدیدارشناسان بزرگ دین
۱۴	تجربه دینی از دیدگاه رودولف اتو
۱۵	امر قدسی
۱۵	امر مینوی
۱۵	ویژگی های تجربه مینوی
۱۸	جامعه شناسی پدیداری
۱۸	مفاهیم اساسی در جامعه شناسی پدیداری و پدیدارشناسی
۱۸	آگاهی
۱۹	قصیدیت
۲۰	معنا
۲۰	رویکرد طبیعی و فلسفی
۲۲	اپوخه
۲۴	شهود ذات
۲۴	نظر ادموند هوسرل درباره پدیدارشناسی
۲۶	نظر آلفرد شوپس درباره جامعه شناسی پدیداری
۲۸	نظریه ساخت اجتماعی واقعیت برگر و لاکمن
۲۸	وجه عینی واقعیت اجتماعی
۲۸	نهادسازی
۲۹	توجیه مندی
۳۰	وجه ذهنی واقعیت
۳۰	درونی سازی واقعیت، از طریق پرورش اجتماعی اولیه و ثانوی
۳۳	جامعه شناسی پدیداری و روش شناسی مردم نگار

۳۳ روش‌شناسی جامعه‌شناسی مردم‌نگارانه.....
۳۴ برخی مفاهیم بنیادی اتنومتودولوژی.....
۳۵ تفاوت جامعه‌شناسی پدیداری با جامعه‌شناسی تفهیمی.....
۳۸ تفاوت پدیدارشناسی با روان‌شناسی.....
۳۹ ۱.۱.۲. پیشینه نظریات جامعه‌شناسی دین (با تأکید بر رویکرد جامعه‌شناسی پدیداری).....
۳۹ تعریف دین.....
۴۳ رویکرد عاطفه‌گرایانه به دین با تأکید بر نظر مالدینوفسکی.....
۴۴ رویکرد معناگرایانه به دین.....
۴۴ نظر وبر درباره دین و معنا.....
۴۵ نظر ادی درباره دین و معنا.....
۴۵ دیدگاه کلیفورد گیرتس درباره دین و معنا.....
۴۹ نظریه استارک و بین‌بریچ درباره دین؛ دین به عنوان جبران.....
۵۱ نظریه پیتر برگر و توماس لاکمن درباره دین.....
۵۲ ۱.۲. پیشینه تجربی.....
۵۲ ۱.۲.۱. پیشینه خارجی.....
۵۷ ۱.۲.۲. پیشینه داخلی.....
۶۰ فصل دوم.....
۶۰ چارچوب نظری.....
۶۱ زیارت به مثابه واقعیت عینی.....
۶۱ نهادسازی زیارت.....
۶۲ توجیه‌مندی زیارت.....
۶۴ زیارت به مثابه واقعیت ذهنی.....
۶۴ درونی سازی زیارت.....
۶۵ تجربه زیارت.....
۷۳ فصل سوم.....
۷۳ روش تحقیق جامعه‌شناسی پدیداری زیارت.....
۷۸ مراحل پدیدارشناسی تجربی.....
۷۸ تعریف مساله تحقیق.....
۷۹ انجام پیش مطالعه.....
۷۹ انتخاب یک تئوری و کاربرد آن به مثابه طرح مرجع.....
۷۹ مطالعه ساخت‌های درجه اول و در پراتنز نهادن نظریات.....
۸۰ نمونه‌گیری.....

۸۱ روش گردآوری اطلاعات	۸۱
۸۱ مصاحبه	۸۱
۸۱ مشاهده همراه با مشارکت	۸۱
۸۲ ۴.۱. احاطه هدف و تقلیل پدیدارشناختی	۸۲
۸۳ ۴.۲. ترسیم واحدهای معنایی	۸۳
۸۴ ۴.۳. خوشه‌بندی واحدهای معنایی برای شکل دادن به آنها	۸۴
۸۵ ۴.۴. خلاصه‌سازی هر مصاحبه، تصحیح انجام اصلاحات ضروری برای آن	۸۵
۸۵ ۴.۵. استخراج موضوعات کلی و یگانه از همه مصاحبه‌ها و ایجاد یک ترکیب مختصر	۸۵
۱۶ ایجاد ساخت‌های مرتبه دوم	۱۶
۱۶ بررسی پیامدهای پیش‌بینی نشده (بررسی نشده)	۱۶
۱۷ ارتباط شواهد متون علمی و میدان تجربی مطالعه	۱۷
۹۴ فصل چهارم	۹۴
۹۵ تعریف لغوی زیارت	۹۵
۹۶ زیارت به مثابه واقعیت عینی	۹۶
۹۶ نهادمندی زیارت	۹۶
۹۶ آداب زیارت	۹۶
۹۷ تاریخچه زیارت (با تاکید بر زیارت امام رضا) در ایران	۹۷
۹۷ رسم زیارت در ایران باستان (پیش از ورود اسلام به ایران)	۹۷
۹۸ زیارت پس از ورود اسلام به ایران	۹۸
۹۹ امام رضا و تشیع در ایران قرن سوم	۹۹
۱۰۰ زیارت امام رضا از هنگام شهادت ایشان تا ظهور طاهریان	۱۰۰
۱۰۱ زیارت امام رضا (ع) در زمان حکومت طاهریان	۱۰۱
۱۰۱ زیارت امام رضا (ع) در دوران امارت سامانیان	۱۰۱
۱۰۲ زیارت امام رضا (ع) در دوران آل بویه	۱۰۲
۱۰۴ زیارت امام رضا (ع) در دوره غزنویان	۱۰۴
۱۰۵ زیارت امام رضا (ع) در دوران سلجوقیان	۱۰۵
۱۰۷ زیارت امام رضا (ع) در دوران ایلخانان و مغول‌ها	۱۰۷
۱۰۷ زیارت امام رضا (ع) در دوره صفویه	۱۰۷
۱۱۰ زیارت امام رضا (ع) در دوران افشاریه	۱۱۰
۱۱۰ زیارت امام رضا (ع) در دوران قاجار	۱۱۰
۱۱۱ زیارت امام رضا (ع) در دوران پهلوی	۱۱۱
۱۱۱ دوران رضا شاه	۱۱۱
۱۱۲ دوران محمدرضا شاه	۱۱۲

۱۱۳	زیارت امام رضا (ع) پس از انقلاب اسلامی.....
۱۱۳	توجیه‌مندی زیارت توسط شارع و زیارت در سیره معصومین.....
۱۱۵	زیارت در سیره پیامبر.....
۱۱۵	زیارت در سیره حضرت فاطمه.....
۱۱۵	زیارت شهدای احد در سیره معصومین.....
۱۱۵	زیارت قبر پیامبر در سیره معصومین.....
۱۱۶	زیارت بقیع در سیره معصومین.....
۱۱۹	فصل پنجم.....
۱۱۹	زیارت به مثابه واقعیت ذهنی.....
۱۱۹	(تحلیل تجربه زیارت).....
۱۲۰	واحدهای معنایی تجربه زیارت.....
۱۲۵	مقایسه تجارب زیارتی: ویژگی‌های تعمیمی و تفریدی.....
۱۳۳	فصل ششم.....
۱۳۳	خلاصه و نتیجه‌گیری.....
۱۴۷	منابع.....
۱۵۲	پیوست شماره ۱- جدول مشروح ویژگی‌های تعمیمی زیارت.....
۱۶۳	پیوست شماره ۲- جدول مشروح ویژگی‌های تفریدی زیارت.....

فهرست جداول

۱۲۰	جدول ۱- لیست واحدهای معنایی تجربه زیارت.....
۱۲۲	جدول ۲- نخوشه‌بندی واحدهای معنایی تجربه زیارت.....
۱۲۵	جدول ۳- مقولات معنایی تجربه زیارت.....
۱۲۵	جدول ۴- ویژگی‌های تعمیمی زیارت (جدول خلاصه).....
۱۲۵	جدول ۵- ویژگی‌های تفریدی زیارت (جدول خلاصه).....
۱۳۰	جدول ۶- ویژگی‌های تعمیمی زیارت (جدول گزیده).....
۱۳۱	جدول ۷- ویژگی‌های تفریدی زیارت (جدول گزیده).....

فهرست نمودارها

۷۱	نمودار ۱- جامعه‌شناسی پدیداری زیارت.....
۹۲	نمودار ۲- مراحل پدیدارشناسی تجربی.....
۹۳	نمودار ۳- کراحل پدیدارشناسی تجربی زیارت امام رضا (ع).....

بیان مساله

تعریف دین قضیه ساده‌ای نیست و مراجع ذیصلاح تعاریف گوناگونی را درباره دین ارائه کرده‌اند که هر یک آشکارا با دیگری ناسازگار است (همیلتون، ۱۳۸۷: ۲۶). گیدنز (۱۳۸۳) معتقد است در تعریف دین ابتدا باید دانست دین چه نیست. به نظر او «دین را نباید با یکتاپرستی، دستورالعمل‌های اخلاقی، امور فوق طبیعی و تبیین کننده فلسفه بودن در نظر گرفت. اما ویژگی‌هایی که به نظر می‌رسد همه ادیان در آن مشترکند از این قرارند: ادیان متضمن مجموعه‌ای از نمادها هستند، که احساسات حرمت یا خوف را طلب می‌کنند، و با شعایر یا تشریفات (مانند مراسم کلیسا) که توسط اجتماع مومنان انجام می‌شود پیوند دارند» (گیدنز، ۱۳۸۳: ۴۹۶). شعایر مرتبط با دین بسیار گوناگون است. اعمال شعایری ممکن است شامل دعا خواندن،... روزه گرفتن در روزهای معین و مانند آن باشد (گیدنز، ۱۳۸۳: ۴۹۷). لذا هم‌چنان‌که گفته شد، یکی از ابعاد دین که در اغلب تعاریف دین مشترک است، شعایر یا مناسک است. زیارت نیز یک منسک است که در بسیاری از ادیان وجود دارد. «زیارت» اگر چه در اصل به معنای قصد کردن و ملاقات کردن است (مفردات راغب)، اما در معنای اصطلاحی متداول آن به هرگونه دیدار و ملاقاتی زیارت اطلاق نمی‌شود، بلکه زیارت ملاقات با اشخاص و دیدار از اماکنی است که از نظر زیارت‌کنندگان دارای احترام، شرافت، برتری و خارق‌العادگی باشد (تقی‌زاده داوری: ۱۳۸۰: ۵۹). یکی از نکاتی که همواره در اسلام مورد توجه بوده، این نکته است که برای بررسی هر عمل، ظاهر و باطن آن را بایستی در کنار هم در نظر گرفت و نیت و قصد و آگاهی کنشگر برای کنش، لااقل به میزان ظاهر کنشی که انجام می‌شود، حائز اهمیت است. این معنا، در جامعه‌شناسی پدیداری نیز وجود دارد. «جامعه‌شناسی پدیداری» به مطالعه ساختارهای رسمی هستی اجتماعی محسوس به مثابه موجود مصنوع، از طریق شرح تحلیلی اعمال آگاهانه ارادی می‌باشد (وبسایت ۱). این جامعه‌شناسی در نتیجه جهت‌گیری پدید‌شناختی‌اش، توصیف ساختار کلی جهت‌گیری‌های ذهنی را هدف خود می‌داند. جامعه‌شناسی پدید‌شناختی بر پایه رهیافت بالا به این نتیجه می‌رسد که ویژگی‌های عینی جامعه بر این معنای ذهنی استوارند. جامعه‌شناسی پدید‌شناختی نیز مانند فلسفه پدید‌شناختی، به خاطر کوشش پیگیرانه، منظم و انتقادی برای کشف واقعیت‌های بنیادی زندگی اجتماعی یک علم به شمار می‌رود (ریتزر، ۱۳۸۲: ۳۲۶). مطابق با تعاریف گفته شده، جامعه‌شناسی پدیداری، در پی درک واقعیت اجتماعی به مثابه یک پدیدار است؛ آن‌گونه

که بر ما ظاهر می‌شود، نه درک ذات اشیاء، آن‌گونه که فی‌نفسه هستند. برای مثال زیارت را در این طریق، باید بر اساس فهم و نیت کنشگران تعبیر و تحلیل کرد. لازمه بررسی جامعه‌شناسی پدیداری زیارت، بررسی آن در آگاهی کنشگر، معنای آن نزد زائران و کشف معنای مشترک بین آنان از زیارت است. بنا بر آنچه گفته شد، دست کم دو مساله در دو حیطه نظری و پژوهشی، وجود دارد؛ یکی آن‌که بر اساس جستجویی که انجام شد، اطلاعات کافی و گسترده‌ای در این زمینه (که از منظر جامعه‌شناسی پدیداری به بررسی زیارت بپردازد) به دست نیامد. علاوه بر این، کشف معنا و فهم کنش (در این جا زیارت) و توجه به حال و تجربه کنشگر و قصد او از کنش، هم از جهت درون‌دینی و نگاه شارع و هم از جهت برون‌دینی و با نگاه جامعه‌شناسی پدیداری حائز اهمیت بسیار می‌باشد.^۱ نکته دیگر آن‌که در این تحقیق منظور از «زیارت»، «زیارت امام رضا علیه‌السلام» و بر اساس عرف و اعتقادات شیعی و در نزد شیعیان و منظور از «امام»، «امام رضا علیه‌السلام» است که جهت اختصار تنها به بیان «زیارت» و «امام» اکتفا شده است.

اهداف تحقیق

توصیف پدیدار اجتماعی زیارت از طریق:

۱. توصیف تجربه زائران از زیارت امام رضا (ع) شامل

۱.۱. چگونگی تجربه زیارت

۱.۲. توصیف آداب و نحوه زیارت بین زائران

۱.۳. توصیف و فهم چگونگی تصور زائر از امام رضا

۱.۴. توصیف و فهم خواسته‌های زائران

۲. به دست آوردن ویژگی‌های مشترک این تجربه

^۱ برای نمونه بنگرید به: علامه مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۶۴، باب ۳، ص ۷۷؛ استادولی، حسین (۱۳۸۱) پیام پیامبر، تهران: پیام آزادی؛ مصطفوی، سیدجواد، اصول کافی، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامی، ج ۳، ص ۱۳۲؛ رشیدیان، عبدالکریم (۱۳۸۴) هوسرل در متن آثارش، تهران: نشر نی، صص ۲۸۰-۲۴۱

فصل اول

مبانی نظری

در این فصل، پیشینه‌های موجود، بر اساس دو محور کلی سوابق نظری و سوابق تجربی تنظیم شده است. نخست، به پیشینه نظری پرداخته شده است. که در آن، دو دسته پیشینه جای گرفته است. در ابتدا به سوابق و مفروضات نظری روش پدیداری پرداخته شده و در آن مضامینی چون تعریف پدیدارشناسی و ویژگی‌های آن، جامعه‌شناسی پدیداری و ویژگی‌های آن، مفروضات و مفاهیم اساسی و مهم مطروحه در پدیدارشناسی و جامعه‌شناسی پدیداری و نیز بیان تفاوت آن با برخی حوزه‌ها مانند جامعه‌شناسی تفهیمی و روان‌شناسی پدیداری آمده است. دسته دیگری از سوابق، که ذیل محور و مبنای سوابق نظری قرار دارد، سوابق جامعه‌شناختی دین و مجموع نظریاتی است که از آنها برای توضیح جامعه‌شناسی پدیداری زیارت استفاده شده است. محور دوم این فصل، پیشینه تجربی است که در آن مروری بر پژوهش‌های انجام‌شده و مرتبط با موضوع یا روش تحقیق انجام شده است.

۱.۱. پیشینه نظری

۱.۱.۱. پیشینه نظری پدیدارشناسی

(مفروضات نظری و مفاهیم مهم مطروحه در پدیدارشناسی و جامعه‌شناسی پدیداری)

همیشه موضوع، تعیین‌کننده روش تحقیق است. از آنجا که موضوع رساله حاضر «جامعه‌شناسی پدیداری زیارت» است و بیش از هر چیز به معنای زیارت نزد زائر و تجربه زائر از زیارت توجه می‌شود، از روش پدیداری نیز استفاده شده که کمک به کشف معنا و تجربه زائر می‌نماید. از آنجا که «جامعه‌شناسی پدیدارشناختی... بر پایه پدیدارشناسی فلسفی عمل می‌کند. بنابراین کار فیلسوفانی چون هوسرل... و کار شوتس نزدیک‌ترین سرچشمه جامعه‌شناسی پدیدارشناختی به شمار می‌آیند» (ریتزر، ۱۳۸۲: ۳۲۵). لذا در اینجا علاوه بر شرحی مختصر درباره برخی مبانی نظری این روش به دیدگاه هوسرل، شوتس و برگر و لاکمن در این باره اشاره می‌کنم.

درباره اصطلاح پدیدارشناسی

اصطلاح "phenomenology" واژه‌ای است ترکیبی که از دو واژه یونانی *phainomenon* و *logos* تشکیل شده است. فنومنولوژی به معنای ارائه شرحی... از پدیدارهای گوناگون است. به عبارت دیگر، «فنومنولوژی» به شرح شیوه‌های مختلفی می‌پردازد که در آنها اشیاء می‌توانند پدیدار

شوند... درست هنگامی که تشخیص دادیم آگاهی، آگاهی «از» چیزی است و هرگز در یک جعبه محصور نشده است، می‌توانیم به بررسی تمامی این پدیدارها بپردازیم (ساکالوفسکی، ۱۳۸۸: ۵۶). پدیدارشناسی، واقعیت و حقیقت پدیدارها، یعنی اشیائی را که پدیدار می‌شوند، باز می‌شناسد... طریقی که اشیاء پدیدار می‌شوند، بخشی از هستی آنهاست.. چیزها تنها وجود ندارند، بلکه خودشان را آن‌گونه که هستند نیز آشکار می‌سازند (ساکالوفسکی، ۱۳۸۸: ۵۷-۵۶). حوزه پدیدارشناسی احتمالا، اساسا به عنوان مطالعه ساختارهای تجربه، یا آگاهی تعریف می‌شود. در لغت، پدیدارشناسی، مطالعه «پدیدار» یا چیزی است که ظاهر می‌شود، یا چیزی که در تجربه ما ظاهر می‌شود، یا شیوه‌هایی که امور را تجربه می‌کنیم، همچنین معانی آن‌چه که تجربه می‌کنیم. پدیدارشناسی تجربه آگاهی را به مثابه آگاهی از موضوع یا از منظر اول شخص، مطالعه می‌کند (وبسایت ۲). پدیدارشناسی منحصرأ به ساختارها و فعالیت‌های آگاهی بشر می‌پردازد، و پیش‌فرض اصلی و غالبا ضمنی آن این است که دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم؛ در آگاهی ما... خلق شده است (کرایب، ۱۳۸۵: ۱۲۴). پدیدارشناسی اساسا یک فلسفه است. شوتهس فلسفه هوسرل را گرفت و آن را به یک نوع جامعه‌شناسی تبدیل کرد و همین جهت‌گیری است که مبنای کار جامعه‌شناسی پدیداری و روش‌شناسی مردم‌نگارانه را تشکیل می‌دهد (ریتزر، ۱۳۸۲: ۳۲۲). بیشتر دست‌اندرکاران جامعه‌شناسی پدیداری، به ریشه‌های فلسفی‌شان وفادار مانده‌اند... اما روش‌شناسی مردم‌نگارانه خصلتی بسیار تجربی داشته (ریتزر، ۱۳۸۲: ۳۲۳) و لذا می‌توان جامعه‌شناسی پدیداری را به منزله نظریه روش‌شناسی مردم‌نگار در نظر گرفت.

تعریف پدیدارشناسی (با تاکید بر نظر هوسرل)

به‌ندرت کسی پدیدارشناسی را به دقت تعریف کرده است. به‌طور کلی، این واژه بیش‌تر حوزه پراکنده‌ای از دیدگاه‌های فلسفی است تا یک مکتب خاص و از این جهت واژه چندان سودمندی نیست و تقریبا تمامی شعبه‌ها و گونه‌های پدیدارشناسی از آثار و نوشته‌های هوسرل نشئت گرفته‌اند و به همین دلیل قرابتی تاریخی و مفهومی با یکدیگر دارند. این‌که واژه پدیدارشناسی در آثار هوسرل به چه معنایی است محل بحث و اختلاف است. می‌توان گفت پدیدارشناسی رویکردی به فلسفه است که دارای ویژگی‌های عمده و تعیین‌کننده‌ای است. اولین ویژگی آن علاقمندی به فهم جوهر است... پدیدارشناسی هوسرل به دنبال تحلیل مفهوم معنا در «زیست‌جهان» است و نه تمرکز بر ویژگی‌های عینی پدیده‌ها، کاری که به عقیده او فلسفه را از علم متمایز می‌کند و فلسفه را سازنده

علم به شمار می‌آورد. دوم، هوسرل از نوعی شهودگرایی دفاع می‌کند. به گفته او، ما آدمیان واجد نوعی رویکرد پیشامفهومی به پدیده‌ها هستیم. در واقع بر مبنای این دانش شهودی نسبت به جوهرهاست که علوم عینی می‌توانند شکل بگیرند. سوم، درک شهودی ما از جوهر در زیست‌جهان‌های خاصی رخ می‌دهد. این زیست‌جهان‌ها از اجتماعات تاریخی‌ای تشکیل می‌شوند که انواع گوناگونی دارند... اما هوسرل از این هم جلوتر می‌رود و امکان وجود یک «زیست‌جهان» بنیادین و مشترک را بررسی می‌کند که بتواند نایل شدن به حقایق جهان‌شمول را تسهیل و در واقع امکان پیدایش علوم عینی را فراهم کند. و سرانجام این‌که، قصدیت باوری مفهومی اساسی برای هوسرل است. چون او قصدیت را ویژگی اساسی پدیده‌های آگاهی می‌داند، این در تقابل با اعمال و رویدادهای ناآگاه است که غالباً بی‌قصد هستند. به عقیده هوسرل، مفهوم قصد یا نیت نقش مهمی در رابطه با معنا ایفا می‌کند. او شرح می‌دهد که نیت چه ارتباطی با اعمال کلامی و غیرکلامی دارد و حتی بیش از این، نشان می‌دهد که چگونه نیت سنگ‌بنای معنا را تشکیل می‌دهد. او در این راستا، عمل، نیت یک عمل و سایر محتویاتی را که علاوه بر قصدیت در عمل وجود دارند از یکدیگر متمایز می‌کند. بدین ترتیب او علاقه‌مند است بدانند که مرز میان نیت خاص یک عمل؛ شامل اعمال کلامی، را از کل بستری که آن را دربر گرفته‌است، برای مثال از ابعاد ناخواسته آن (شامل واکنش مخاطب و غیره) مشخص کند (شرت، ۱۳۸۷: ۱۱۳-۱۱۲)

پدیدارشناسی رویکردی تفسیری از پژوهش است... [و] مربوط به روش‌هایی است که در آن انسان‌ها درباره دنیای اطراف خود معرفت کسب می‌کنند... پدیدارشناسی به عنوان یک چهارچوب فلسفی از آغاز دوره شکل‌گیری آن به عنوان یک روش پژوهش تجربی شکل‌های گوناگونی به خود گرفته است (صدوقی، ۱۳۸۶: ۱۴۱).

اسپینلی خاطر نشان کرده است که روانشناسی پدیدارشناختی بیش‌تر مربوط به تنوع و تغییرپذیری در تجربه انسان است تا این‌که مربوط به شناسایی ماهیت‌های مورد نظر هوسرل باشد (صدوقی، ۱۳۸۶: ۱۴۴).

پدیدارشناسی فلسفی

هدف اولیه پدیدارشناسی فلسفی پژوهش و آگاهی مستقیم از پدیدارهایی است که در تجربه بلاواسطه آشکار می‌گردد و لذا به پدیدارشناس این اجازه و امکان را می‌دهد که ساختارهای ماهوی

یا ذاتی این پدیدارها را توصیف کند. یدین وسیله فنومنولوژی می‌کوشد... از توضیح علی و سایر تبیین‌های دیگر پرهیز کند و روشی به کار برد که توصیف آنچه را که آشکار می‌گردد.. ممکن سازد (الیاده، ۱۳۷۲: ۲۰۶).

پدیدارشناسی دین

اصطلاح پدیدارشناسی دین در معانی مختلفی به کار رفته است. پدیدارشناسی دین، به معنای دقیق کلمه، به کاربرد دو اصطلاح اپوخه و شهود ذات، در مطالعه پدیده‌های مشابه در ادیان مربوط است (کریستن سن، ۴۱۸؛ فاندلیو، ۲، ۶۷۸-۶۷۱ به نقل از زروانی، ۱۳۸۵: ۱۷۸). اما در معنای عام‌تر عبارت است از به کارگیری دو اصل تعلیق حکم و شهود ذات برای مطالعه همه پدیده‌های دینی، چه پدیده‌های مشابه، چه پدیده‌های متفاوت. پدیدارشناسی در معنای عام‌ترش شامل فهم یک پدیده دینی در درون سنت دینی خاصی نیز می‌تواند باشد (زروانی، ۱۳۸۵: ۱۷۸). ژوکو بلیکر قائل به سه نوع پدیدارشناسی دین بود: ۱) پدیدارشناسی توصیفی که محدود به تنظیم و دستگاه‌مندسازی پدیدارهای دینی بود، ۲) پدیدارشناسی نوع‌شناختی که انواع مختلف ادیان را رده‌بندی و تدوین و تنسیق می‌کرد، ۳) پدیدارشناسی به معنای اخص که ساختارهای ماهوی و معانی پدیدارهای دینی را مورد پژوهش قرار می‌داد (الیاده، ۱۳۷۲: ۲۱۲).

برخی پدیدارشناسان بزرگ دین

برد کریستنسن: که متخصص ادیان باستانی مصر است به خاطر رهیافت توصیفی در پدیدارشناسی خویش، شاخص است. طبق نظر کریستنسن پدیدارشناسی که از متفرعات علم کلی دین است، رهیافتی دستگامند و تطبیقی، و توصیفی است - دستوری... پدیدارشناس باید ایمان مومنان را به عنوان تنها واقعیت دینی بپذیرد. ما باید با قبول این‌که مومنان یک دین کاملاً برحق‌اند، از تحمیل ارزش‌گذاری‌های خویش بر تجربه آن مومنان پرهیز کنیم... درک و دریافت ما از این واقعیت دین همواره تقریبی یا نسبی است، چرا که هرگز نمی‌توانیم دین دیگران را دقیقاً همانند خود متدینان به آن، احساس یا تجربه کنیم (الیاده، ۱۳۷۲: ۲۱۴).

میرچا الیاده: طبق نظر این مورخ ادیان و مفسر مادهای دینی، دین به «تجربه امر قدسی راجع است». کارهای پدیدارشناس با اسناد تاریخی بیانگر و نمایانگر جلوه‌های امر قدسی است و می‌کوشد رمز

موقعیت وجودی و معنای دینی بیان شده از طریق داده‌ها را کشف کند. قدسی و دنیوی بیانگر «دو وجه از بودن در جهان است». و دین همواره شامل تلاش انسان دین‌ورز برای فرارفتن از جهان غیرقدسی یا دنیوی نسبی و تاریخی - زمانی به مدد تجربه کردن جهان فرانسائی ارزش‌های متعال است (الیاده، ۱۳۷۲: ۲۲۱). مطالعه در نمادپردازی و ساختارهای نمادین با موقعیت مرکزی و ممتازی که در کار و اندیشه الیاده دارد، زمینه‌های پدیدارشناختی را برای تاویل (هرمنوتیک) ساختار او آماده می‌سازد. بعضی از ویژگی‌های نمادها عبارتند از: ۱) منطق آن‌ها که اجازه می‌دهد نمادهای متعدد با هم تجمع و تجانس یابند و نظام‌های نمادین منسجم بسازند. ۲) چند ارزشی بودن آن‌ها که از این طریق؛ در آن واحد تعداری معنا را با انسجام ساختاری، بیان می‌کنند... ۳) نقش وحدت بخش که از آن طریق پدیدارهای ناهمگن را در درون یک کل یا یک نظام وحدت می‌بخشند. این نظام‌های خودمختار، عام و منسجم نمادها معمولاً چهارچوب پدیدارشناختی برای تفسیر الیاده از معنای دینی به دست می‌دهد. فی‌المثل او معنای یک پدیدار دینی مرتبط با خورشید یا ماه را با پیوند دادن مجدد آن در درون نظام‌های ساختاری شمسی یا قمری فحوای نمادین، تعبیر و تفسیر می‌کند (الیاده، ۱۳۷۲: ۲۲۳).

رودولف اوتو: اوتو در کوششی که برای کشف ساختار ماهوی و معنی همه تجربه‌های دینی می‌ورزد، عنصر عام «مینوی» را مقوله پیشینی... معنا و ارزش توصیف می‌کند. مراد اوتو از مینو و مینوی همانا مفهوم «امر قدسی» بدون جنبه‌های اخلاقی و عقلانی آن است. او با تاکید بر این جنبه نااخلاقی و ناعقلانی دین، می‌کوشد عمده معنا را در فراسوی عقلانیت و مفهومیت، که تشکیل‌دهنده ماهیت کلی تجربه دینی است، بازیابی کند. از آن‌جا که چنین تجربه ناعقلانی نه می‌تواند تعریف شود، نه به صورت مفهوم درآید، لذا توصیفات کنایی و تمثیلی ساخته و پرداخته می‌گردند که در دل مخاطب تجربه امر قدسی را برانگیزند (الیاده، ۱۳۷۲: ۲۱۵).

در اینجا، نظریه اوتو، برای توضیح تجربه دینی انتخاب گردید که در ادامه به شرح و توضیح آن پرداخته می‌شود.

تجربه دینی از دیدگاه رودولف اوتو

به اعتقاد اوتو تجربه دینی از سنخ احساسات، احوال و عواطف است. اگر ابعاد وجود انسان‌ها را در سه حوزه متمایز عقل، اراده و احساس قرار دهیم، تجربه دینی از نگاه اوتو متعلق به حوزه سوم

است. آنچه اتو آن را تجربه مینوی می نامد حالتی نفسانی است که کاملاً منحصر به فرد بوده، به هیچ حالت دیگری نمی توان آن را تحویل برد (شیروانی، ۱۳۸۱: ۹۱).

امر قدسی

نکته شایان توجه در اندیشه اتو آن است که یک امر می تواند هر دو جنبه عقلانی و غیر عقلانی را توامان دارا باشد (شیروانی، ۱۳۸۱: ۳۹). امر قدسی واقعی است که جنبه ای از آن تحت مقولات فاهمه درآمده، با مفاهیم ذهنی مکشوف می شود و جنبه ای دیگر از آن، هرگز در محدوده این مفاهیم نگنجیده، از راه تفکر و اندیشه به ادراک درنیاید (شیروانی، ۱۳۸۱: ۴۰).

امر مینوی

شاید مهم ترین مفهومی که در معنای قدسی داخل شده... عبارت باشد از خیرخواهی، خوبی و خیر محض... اما غلبه این گونه مفاهیم اخلاقی و نظری موجب اختفای بعد مهم تر امر قدسی می شود (شیروانی، ۱۳۸۱: ۴۳) که امر مینوی یا نومن را بر آن حقیقت مینوی و تجربه مینوی را بر آن حال نفسانی اطلاق می کند (شیروانی، ۱۳۸۱: ۴۴).

ویژگی های تجربه مینوی

احساس مخلوقیت یا حالت عبودیت

این احساس، احساس یک مخلوق است که آغشته و مغلوب نیستی و عدم است و در مقابل موجودی قرار دارد که برتر از همه مخلوقات است (اتو، ۱۳۸۰: ۵۴). برای ایجاد احساس مخلوقیت و احساس وابستگی در روح، باید حضور امر مینوی را به عنوان موجود مینوی تجربه کرد (اتو، ۱۳۸۰: ۵۵).

راز هیبت ناک

احساس مخلوقیت، برآمده از حالتی عمیق تر و اصیل تر به نام هیبت است. از نظر اتو، امر مینوی، بنا بر آنچه در احوال انسان تجلی می کند، سری است هیبت انگیز و مجذوب کننده... که با مراتب متفاوتی از شدت و ضعف، ظهور و بروز می یابد (شیروانی، ۱۳۸۱: ۵۰). اتو در تحلیل حالت هیبت انگیزی نومن، سه عنصر را در آن تشخیص می دهد:

عنصر هیبتناکی: هرچند که به لحاظ ماهیت ممکن است در تشبیه به جای ترس به کار رود، و با آن شباهت داشته باشد، در برخی زبان‌ها تعبیراتی وجود دارد که منحصرًا یا در وهله اول نشان می‌دهد که این «ترس» چیزی بیش از مفهوم رایج ترسیدن است. یک نمونه از این تعبیرات واژه عبری Taqdish (تقدیس) است. «چیزی را در دل مقدس دانستن» بدان معناست که آن را با نوعی احساس بیم و هراس خاصی از دیگر اشیاء جدا ساختن تا با ترس عادی اشتباه نشود (اتو، ۱۳۸۰: ۶۱). ترس دینی یا هیبت شاید انتخاب بهتری برای این معنا باشد (اتو، ۱۳۸۰: ۶۳). هیبت دلالت می‌کند که امری رازآلود در برابر ذهن پدیدار شده و احساسات آدمی را به ارتعاش درآورده است (اتو، ۱۳۸۰: ۶۴).

عنصر استیلا (عظمت): به‌خصوص در ارتباط با همین عنصر عظمت یا استیلائی مطلق است که آگاهی مخلوقانه... به عنوان حالتی یا انعکاس روانی آن پدید می‌آید (اتو، ۱۳۸۰: ۷۰). آنچه ما در پی تحلیل آن هستیم وجه و صفتی است که در همه انواع عرفان در هر جا یافت می‌شود و آن چیزی نیست جز آگاهی مخلوقانه... و مقصود از آن... همان آگاهی از حقارت و کوچکی همه مخلوقات در برابر موجودی است که برتر از همه مخلوقات است (اتو، ۱۳۸۰: ۷۲).

عنصر شوق و طلب: و نهایتاً عنصر سومی در کنار عنصر هیبت و عظمت وجود دارد که... آن را طلب یا شوق نسبت به موجود مینوی می‌دانم... و همه جا خود را در قالب تعبیرات نمادین مانند سرزندگی، شورمندی، حال عاطفی، اراده، نیرو، حرکت، هیجان، فعالیت، میل می‌پوشاند (اتو، ۱۳۸۰: ۷۴).

عنصر جذب

محتوای کیفی تجربه مینوی که مفهوم رازآمیز بودن به منزله شکل آن است یکی از جنبه‌های عنصر هیبتناکی و عظمت است... اما... این تجربه در عین حال دارای جنبه دیگری نیز هست که در آن جنبه امر قدسی خودش را به عنوان موجودی کاملاً گیرا و جذاب نمایان می‌سازد (اتو، ۱۳۸۰: ۸۳).

در پایان بحث تجربه دینی ذکر چند نکته لازم به نظر می‌رسد: نخست آن‌که «هیچ تعریف واحدی برای تجربه دینی که مورد اتفاق همگان باشد، وجود ندارد (مایلز، ۱۳۸۰: ۵۹). گاهی اصطلاح تجربه دینی به تجربه امری خارق‌العاده و شگفت‌آور اطلاق می‌شود. چنین اطلاقی بسیار رایج است... اما مراد ما از تجربه دینی چنین تجربه‌ای نیست. اکنون به برخی تعاریف تجربه دینی اشاره می‌کنیم:

۱. گاهی تجربه دینی به گونه‌ای تعریف می‌شود که تنها سنت دینی خاصی را در بر می‌گیرد؛ به عنوان نمونه گفته می‌شود که تجربه دینی تجربه خدا یا تجربه پدر است و غیره. شکی نیست که تجربه خدا تجربه‌ای دینی است ولی این نوع تجربه با قید «مفهوم خدا» به سنت دین اسلام اختصاص دارد و تجربه دیگر ادیان را شامل نمی‌شود. از سوی دیگر، حتی در سنت اسلامی هم این نوع تجربه تمام تجارب دینی را در بر نمی‌گیرد. اگر مسلمانی یکی از ائمه را خواب ببیند، این خواب تجربه‌ای دینی به حساب می‌آید، اما تجربه خدا نیست.

۲. تعریف دیگری نیز از تجربه دینی مطرح می‌شود که نسبت به تعریف نخست وسیع‌تر است. گاهی گفته می‌شود که تجربه دینی، تجربه امر متعالی است. این تعریف... باز همه تجارب دینی را شامل نمی‌شود.

۳. ما برای توصیف تجربه خود معمولا از عبارتهایی مانند «به نظرم چنین آمد» یا «برایم چنین نمایان شد» و غیره استفاده می‌کنیم (قائمی‌نیا، ۱۳۸۱: ۲۹-۲۸). توصیفات پدیدارشناختی، توصیف تجربه از درون هستند. فاعل تجربه آن را آن‌چنان که ظاهر می‌شود، توصیف می‌کند، بدون این که هیچ ادعایی اضافه بر نحوه ظهور آن بیفزاید. تجربه‌های گوناگون، توصیف‌های پدیدارشناختی گوناگونی دارند (قائمی‌نیا، ۱۳۸۱: ۳۲). ملاک دینی بودن تجربه را باید در توصیف فاعل تجربه در مورد تجربه‌اش جست. تجربه دینی تجربه‌ای است که فاعل تجربه در توصیف پدیدارشناختی آن از حدود و واژه‌های دین استفاده کند» (قائمی‌نیا، ۱۳۸۱: ۳۲).

مفاد دینی تجربه ناشی از جنبه معرفتی آن است. فاعل، خود و جهان را در پرتو باورهای دینی می‌فهمد. انبیای یهود، تاریخ یهود را در پرتو میثاق با یهوه می‌شناسند. تاملات بودایی، برای آن رو به تکامل می‌گذارد تا نمونه‌ای برای صحت مذهب بودایی باشد و مریدان را برای درک این مطلب توانا سازند (پراودفوت، ۱۳۸۳: ۲۴۷). لذا وقتی از تجربه دینی یک زائر شیعه در این رساله سخن گفته می‌شود، قطعاً همراه با پیش‌فرض‌ها و عقاید شیعی او بایستی در نظر گرفته شود. زیرا اولاً کیفیت تجربه او، در بستر و زمینه دین اسلام و مذهب شیعه قرار گرفته است و او برای توصیف تجربه (های) خود از اصطلاحات و مفاهیم درون‌دینی بهره می‌برد و اساساً تجربه او مبتنی بر اعتقادات و مفروضات پیشین او است. لذا، در پژوهش حاضر، به الزامات فکری و نظری تجربه دینی که مفهومی است که در غرب و متناسب با اعتقادات متالهان آن شکل گرفته، کاری نداریم و بهره‌ای که

از این مفهوم برده شده است، در بیان کیفیت اولی و اصلی این نوع تجربه در تمایز با انواع دیگر تجاربی است که شخص می‌تواند داشته باشد. این مفهوم در اینجا تنها برای تفکیک و تمیز دادن بین تجربه‌ای که دارای جنبه دینی و معنوی است و سایر تجارب دنیوی شخص به کار برده شده است. و در تعریف آن تنها به بیان این نکته بسنده می‌شود که می‌توان آن را مواجهه با امر قدسی دانست.

جامعه‌شناسی پدیداری

جامعه‌شناسی پدیده‌شناختی در گسترده‌ترین سطح، به آن جامعه‌شناسی اطلاق می‌شود که بر پایه پدیده‌شناسی فلسفی عمل می‌کند ... تقریباً همه پدیده‌شناسان برای آگاهی بشری اولویت قائل‌اند و بیشتر به معنا، تجربه، ساخت و خود می‌پردازند ... این جامعه‌شناسی در نتیجه جهت‌گیری پدیده‌شناختی‌اش، توصیف ساختار کلی جهت‌گیری‌های ذهنی را هدف خود می‌داند. جامعه‌شناسی پدیده‌شناسی بر پایه رهیافت بالا به این نظر می‌رسد که ویژگی‌های عینی جامعه بر این مبنای ذهنی کلی استوارند (ریترز، ۱۳۸۲: ۳۲۶-۳۲۵). در این رساله، از رویکرد برگر و لاکمن در کتاب ساخت اجتماعی واقعیت در تعریف جامعه‌شناسی پدیداری، بهره برده شده است. مطابق با سخنی که پیش‌تر از ریترز نقل شد، در آن کتاب هم، یک روند دیالکتیکی میان بعد عینی و ذهنی واقعیت برقرار است که بدون فهم یکی، قادر به فهم و توضیح دیگری نمی‌توان بود.

مفاهیم اساسی در جامعه‌شناسی پدیداری و پدیدارشناسی

آگاهی

در آثار هوسرل، تعاریف و تعبیر متفاوتی را می‌توان از آگاهی سراغ گرفت، مثلاً می‌توان آگاهی را به صورت «وحدت جریان واحدی از ادراک» یا «ادراک نفسانی و درونی زیسته‌ها» در تعلق زنده آنها به من تعریف کرد، اما معنای قطعی و نهایی آگاهی از نظر هوسرل... همان قصدی بودن آگاهی است. قصدیت مضمون مرکزی پدیده‌شناسی است (رشیدیان، ۱۳۸۴: ۲۴۹).

این مفهوم در نظر هوسرل و به‌طور کلی در دیدگاه پدیدارشناسی، اساسی‌ترین مفهوم است. برای هوسرل، شعور یا آگاهی، همیشه به منزله آگاهی از چیزی است. آگاهی در واقع، نه ذهنیت محض است نه عینیت محض، بلکه ارتباط میان ذهن و عین است و طریقه درک ماهیت پدیده‌ها و دارای دو جنبه تکمیلی است:

الف) جریان آگاه یا هستی آگاه که دارای صور گوناگونی مثل خاطره، سنجش و ارزیابی کردن و مانند آن است.

ب) عینیت آگاهی که مستقل است و به دنبال توصیف آن هستیم (ابراهیمی، ۱۳۶۸: ۲۴).

قصیدت^۱

یک ذهن داننده همواره التفات به یک موضوع یا متعلق دارد و التفات، خاصه همه آگاهی‌ها را به عنوان آگاهی از چیزی تعریف می‌کند. همه اعمال آگاهی معطوف به تجربه چیزی است، یعنی موضوع و متعلق التفات (الیاده، ۱۳۷۲: ۲۰۹).

هوسرل از همان پژوهش‌های منطقی، معنا یعنی مهم‌ترین عنصر از عناصر زبان را به قصدیت وابسته می‌کند (رشیدیان، ۱۳۸۴: ۲۴۱). اصطلاح «روی‌آوردگی»^۲ ارتباط بسیار نزدیکی با پدیدارشناسی دارد. آموزه مهم پدیدارشناسی این موضوع را می‌شناساند که هر کنشی از آگاهی، یا هر تجربه‌ای، اساساً «آگاهی از» یا «تجربه از» چیزی یا دیگری است. آگاهی ما همواره به سوی یک عین جهت گرفته است (ساکالوفسکی، ۱۳۸۸: ۴۷). زیسته‌های آگاهی، زیسته‌های قصدی نیز نامیده می‌شوند، و منظور از واژه قصدی چیز دیگری نیست جز همین ویژگی ذاتی و عمومی آگاهی، یعنی آگاهی از چیزی بودن؛ و عبارت از این است که آگاهی به مثابه می‌اندیشم، متعلق اندیشه‌اش را در خودش حمل می‌کند (رشیدیان، ۱۳۸۴: ۲۴۹).

شایان ذکر است که این معنا از «روی‌آوردگی» [قصدمندی] را نباید با مفهوم «قصد» به معنای مقصود و منظوری که در هنگام انجام کاری در ذهن داریم، اشتباه بگیریم (مانند زمانی که می‌گوییم: «او تعدادی قطعه چوب به منظور ساختن اتاقک خرید...»). مفهوم پدیدارشناسانه روی‌آوردگی بیشتر در نظریه شناخت و نه در نظریه کنش انسان به کار می‌رود... این واژه در پدیدارشناسی به معنای رایج آن که بیشتر قصد و نیت عملی است، به کار نمی‌رود. کاربرد پدیدارشناسانه این اصطلاح معنای قصدیت عملی را به عنوان یک معنای ثانوی در نظر می‌گیرد... در پدیدارشناسی «روی‌آوردن» عبارت است از پیوند آگاهانه‌ای که با یک عین برقرار می‌سازیم (ساکالوفسکی، ۱۳۸۸: ۴۸). بنابراین آموزه

^۱. intentionality

^۲. اصطلاح روی‌آوردگی، در ترجمه واژه "intentionality" توسط مترجم متن مذکور (محمدرضا قربانی) به کار رفته است. هرگاه از این متن استفاده شده، برای رعایت امانت، از معادل منتخب مترجم آن متن، یا همان «روی‌آوردگی» استفاده شده، اما در سایر قسمت‌های رساله، از معادل‌هایی چون قصدمندی و نیت‌مندی که در ترجمه این واژه توسط سایر مترجمین، معمول است، استفاده شده است.

روی‌آوردگی عبارت است از این‌که هر کنشی از آگاهی به سوی عینی خاص جهت گرفته است. آگاهی، اساساً آگاهی از چیزی یا دیگری است (ساکالوفسکی، ۱۳۸۸: ۴۸).

معنا

این‌که معنا چیست، موضوعی است که بی‌واسطه، نظیر طبیعت رنگ و صدا، به ما داده می‌شود. به علاوه معنا قابل تعریف نیست، بلکه وصف نهایی است؛ یعنی هرگاه عملی از بیان را انجام دهیم یا درک کنیم معنایی برای ما دارد و از معنای آن یک آگاهی بالفعل داریم (رشیدیان، ۱۳۸۴: ۱۲۶).

رویکرد طبیعی و فلسفی

رویکرد طبیعی عبارت است از زمانی که ما در موضع اولیه خود یعنی به سوی جهان^۱ قرار داریم. در این موضع ما با اشیاء، اوضاع، واقعیت‌ها و گونه‌های مختلف عین‌ها درگیر هستیم. رویکرد طبیعی یا چشم‌انداز پیش‌داشت^۲ ما رویکردی است که ما به نحو آغازین درگیر آن هستیم. بنیادی‌تر از آن هیچ چیز وجود ندارد (ساکالوفسکی، ۱۳۸۸: ۹۹). ویژگی رویکرد طبیعی اعتقاد و باور طبیعی آدمیان است به جهان واقعی. چنین اعتقادی در بنیان هر ادراکی که از طریق آن وجود واقعی اعیان وضع می‌شود، قرار دارد (رشیدیان، ۱۳۸۴: ۱۴۳). یکی از شاخص‌های رویکرد طبیعی این است که من شکی ندارم که هر چیزی که در این جهان طبیعی برای من صادق است برای همه آدمیان پیرامون من نیز صادق است (رشیدیان، ۱۳۸۴: ۱۴۷). می‌دانم که من و آنها همگی محیط مشترک و واحدی داریم. در عین حال، آنچه که به نحو «بین‌الذهانی» میان ما مشترک است می‌تواند متناسب با نظرگاه هر یک از ما به نحوی متفاوت، در نحوه‌های گوناگونی از نمود و ادراک، و با درجات مختلفی از وضوح یا تیرگی به آگاهی ما خطور کند (رشیدیان، ۱۳۸۴: ۱۴۷).

شاخص دیگر در رویکرد طبیعی را هوسرل «تزی طبیعی» یا «فرض طبیعی» آدمیان می‌نامد... من جهان مکانی-زمانی را واقعی می‌دانم و آن را به عنوان موجود درک می‌کنم و مادام که در رویکرد طبیعی به سر می‌برم نه تنها هیچ شک جزئی این باور مرا به خطر نمی‌اندازد بلکه هیچ دلیل و انگیزه واقعی... برای شک کلی ندارم (رشیدیان، ۱۳۸۴: ۱۵۱).

^۱. world directed

^۲. default perspective